



نقش خصوصی سازی در افزایش اشتغال

• آیت کریمی

ایران از معدود کشورهایی است که از نظر ساختار سنی بسیار جوان است. جوان بودن جمعیت از یک سو، نیازمند تجدید ساختار اقتصادی برای پرورش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر است و از طرف دیگر، به ایجاد زمینه‌های اشتغال برای این نیروی عظیمی که به تدریج در سال‌های آتی وارد بازار خواهد شد، نیاز دارد. این کار عملی نیست؛ مگر از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید که نیازمند ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و دادن اطمینان به سرمایه‌گذاران به همراه بهینه سازی و ایجاد تغییرات اساسی در اداره و مدیریت واحدهای تولیدی است. واحدهای تولیدی باید ضمن بهبود کیفیت تولیدات و افزایش بهره‌وری، هزینه - درآمد خود را منطقی نمایند تا بتوانند در بازار رقابتی داخلی و بین‌المللی حضوری مؤثر داشته باشند. بسیاری از کشورها با طی موفقیت آمیز این مسیر، توانسته‌اند اقتصاد خود را شکوفا سازند. با توجه به ساختار اقتصادی کشور

ما، موفقیت این کشورها می‌تواند به عنوان یک تجربه مفید، مورد استفاده برنامه‌ریزان اقتصاد کشور قرار گیرد. با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و بنا بر ضرورت و مشکلات موجود، تعداد زیادی از مؤسسات تولیدی خصوصی، ملی شدند و یا مالکیت آنها به دولت منتقل شد. این مؤسسات عمده‌تاً مشکلات مدیریتی داشتند و نظارت بر سازمان اداره کننده این شرکت‌ها بر عهده وزارت صنایع و معادن گذاشته شد. زمینه فعالیت این گروه از شرکت‌ها که دولت تصدی آنها را بر عهده گرفت، عبارت از صنایع غذایی، الکتریکی و لوازم منزل بود. پس از تأسیس وزارت معادن و فلزات، بخش مرتبط به آن وزارتخانه و بخشی دیگر نظیر صنایع خودروسازی و ریخته‌گری به وزارت صنایع سنگین منتقل شد. از آنجایی که تصدی دولت در این بخش از صنایع، مشکلاتی نظیر تورم نیروی انسانی و ضعف مدیریت را برای

دولت به همراه داشت، در نتیجه یکی از اهداف اصلی دولت در اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی برای کاهش تصدی و هزینه‌ها، واگذاری تدریجی این صنایع به بخش خصوصی اعلام شد. هدف این بود که بخش خصوصی، با بهبود کیفیت تولیدات، بهره‌وری را بالا برده و در نهایت هزینه - فایده منطقی برقرار نماید؛ به صورتی که این بخش از صنایع بتواند با حضور در بازار رقابتی به طرف صادرات قدم بردارد و به نحوی تولید ناخالص ملی با رشد مناسب افزایش پیدا کند.

طی ده سال (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷) حدود ۱۸۰ شرکت به ارزش دو هزار میلیارد ریال از طریق بورس، مزایده و مذاکره به بخش خصوصی واگذار شد. در روش مذاکره، اولویت واگذاری به مدیران و کارکنان واحدهای عرضه شده بود. به این صورت که ۳۳ درصد آن به مدیران و کارکنان همان واحد (۱۰ درصد ارزش آن نقدی و بقیه

ظرف سه سال) پرداخت شده و در مورد غیرکارکنان ۳۰ درصد ارزش واگذاری به صورت نقدی و بقیه ظرف مدت یک سال پرداخت شود. در مجموع، نتیجه واگذاری شرکت‌هایی که در تصدی دولت بودند مثبت ارزیابی شده است؛ به نحوی که در این مؤسسات شاهد ارتقاء کیفیت تولید، بهره‌وری بهتر و ایجاد زمینه اشتغال جدید با افزایش تولید بودیم و در نهایت برگشت وام‌هایی که دولت در اختیار این مؤسسات قرار داده بود، امکان پذیر شد. اگر چه این واگذاری‌ها باید به تدریج انجام شود، ولی آهنگ آن کندتر از حد مورد انتظار بوده است؛ به نحوی که هم اکنون حدود ۸۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی کماکان در تصدی دولت هستند. به همین دلیل دولت مصمم است در طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعداد بیشتری از این بنگاه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند. پیش‌بینی می‌شود تا پایان برنامه سوم حدود ۷۰۰ شرکت اعم از شرکت‌های تولیدی و

خدمات مهندسی به بخش خصوصی واگذار شود. از طریق افزایش سهم بخش خصوصی در کلیه بخش‌های اقتصادی، بهره‌مندی از شیوه مدیریت مشارکتی، ایجاد انگیزه‌های لازم در کارکنان و افزایش بهره‌وری در جهت منطقی کردن هزینه - فایده، رسیدن به رشد پیش‌بینی شده در این برنامه دور از دسترس نخواهد بود. ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی به عنوان اولویت اول مطرح است. در ادامه این مقاله به بخشی از تفاوت‌های ساختاری بخش دولتی و بخش خصوصی اشاره می‌شود.

مفاهیم آزاد سازی (Liberalization) یا خصوصی سازی (privatization) در سال‌های پایانی قرن بیستم مطرح و در تعدادی از کشورها با توجه به ساختار اقتصادی آنها، پیاده شده است. تجربه برخی از کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه نشانگر آن است که نتیجه یکسان و موفقیت آمیزی را در تمام موارد

نمی‌توان شاهد بود. اولاً، آزاد سازی و خصوصی سازی باید با توجه به ساختار اقتصادی هر کشور، مورد مطالعه قرار گرفته و سپس به تدریج نسبت به انجام آن اقدام شود. تجربه خصوصی سازی در ایران از برنامه اول شروع شد و در حال حاضر با آهنگی کند، ادامه دارد. هدف از آزادسازی و خصوصی سازی در کشور ما با توجه به ساختار اقتصادی و براساس قانون اساسی (دولتی، تعاونی و خصوصی) انتقال مالکیت نیست، بلکه موضوع دقیقاً مدیریتی است. هدف از خصوصی سازی در ایران را می‌توانیم به شرح زیر خلاصه کنیم: ۱ - فضا سازی ۲ - سالم سازی ۳ - ایجاد رقابت.

در حال حاضر، در صد بالایی از اقتصاد ما (حدود ۸۰ درصد) دولتی است. در بخش دولتی، دیوان‌سالاری گسترده‌ای حاکم است که مانع هرگونه خلاقیت و نوآوری است و با وجود انحصار، هیچ نوع ابزاری برای کنترل کمی و کیفی فعالیت دولتی وجود ندارد. با توجه به جوان بودن جمعیت ایران، نیازمند ایجاد حداقل ۷۰۰ هزار شغل در سال هستیم. این مورد تنها با فعال شدن بخش خصوصی عملی است تا هم زمینه رقابت فراهم شود و هم ابزاری برای اندازه‌گیری تصدی دولتی داشته باشیم. با اقتصاد دولتی نه تنها نمی‌توانیم شغل جدید ایجاد کنیم، بلکه به دلیل رقابتی نبودن فعالیت اقتصادی دولت، شرکت‌های دولتی مجبور خواهند بود بخشی از نیروی انسانی خود را تعدیل کنند. مهم‌ترین مواردی را که موجب طرح خصوصی سازی



یا آزادسازی در اقتصاد کشور ما و نهایتاً تدوین برنامه سوم عمرانی شد، در مقولات زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر در بیشتر زمینه‌ها

در شرکت‌های دولتی قوانین و مقررات دست‌وپاگیری حاکم است که دسترسی به هرگونه توسعه تولید و فعالیت را از آن سلب می‌کند. استخدام نیروی کار، تنوع تولید، واردات مواد اولیه، صادرات تولیدی، خرید ماشین‌آلات و مواد اولیه و سایر امکانات، نیازمند تشریفات طولانی است تا یک شرکت تولیدی در بخش دولتی بتواند براساس نیاز بازار، فعالیت خود را هماهنگ کند.

۲- عدم وجود شایسته‌سالاری در بخش دولتی

به دلیل حاکم بودن روابط به جای ضوابط در استخدام، نیروی انسانی متخصص و ماهر کمتری در بخش دولتی جذب می‌شود. سیستم تشویق و تنبیه در بخش دولتی قابل اعمال نیست و چون مدیران در کار خود متخصص نیستند و نمی‌توانند از نیروی انسانی موجود استفاده مناسبی در جهت بهبود کیفیت و کمیت تولید ببرند، در نتیجه در بیشتر شرکت‌های دولتی، تولید پایین است. در صورتی که مدیریت در بخش خصوصی با توجه به نیاز و تقاضای بازار، تولیدات خود را هماهنگ و از توان تخصصی و پرسنلی خود استفاده مناسب کرده و حتی نیروی انسانی خود را نیز تربیت می‌کند.

۳- احیاء بازار بالقوه

بازار بالقوه عظیمی در تمام بخش‌های اقتصادی ایران وجود دارد و حتی در برخی از بخش‌ها، توان صادرات موجود است. احیاء بازار بالقوه ایران نیازمند سرمایه‌گذاری عظیمی است تا بتواند با استخدام نیروهای متخصص ماهر و غیرماهر در این زمینه‌ها فعالیت کند. دولت به تنهایی قادر به احیاء این بازار بالقوه عظیم نیست. اصولاً اقتصاد دولتی به شکل انحصاری قابل توجیه است. بخش خصوصی نه تنها قادر است بازار پولی را فعال کند، بلکه سرمایه‌گذاران خارجی نیز تمایل دارند با بخش خصوصی سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند. برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز نیازمند فعال کردن بخش خصوصی هستیم تا ضمن افزایش تولید، بخصوص در بخش‌هایی که وابستگی ارزی داریم، بتوانیم زمینه اشتغال بیکاران را نیز فراهم کنیم.

۴- رقابتی کردن بازار

در حال حاضر در اغلب زمینه‌های اقتصادی، دولت انحصار کامل یا چند جانبه‌ای دارد و در کنار آن ابزاری برای اندازه‌گیری کمیت و کیفیت کالا و خدمات تولیدی دولت وجود ندارد. تورم نیروی انسانی در بخش دولتی بسیار بالا و هزینه تمام شده، غیر رقابتی است. ورود بخش خصوصی به این بخش‌ها، نه تنها تولید را افزایش داده و زمینه اشتغال را فراهم می‌کند؛ بلکه ابزاری برای کنترل فعالیت دولت در این بخش و نهایتاً رقابت بخش دولتی با بخش خصوصی است؛ زیرا بخش

خصوصی ضمن استفاده بهینه از نیروی انسانی خود، هزینه‌ها را منطقی می‌کند.

۵- عدم تناسب پرداخت دستمزد در سیستم دولتی

در بخش دولتی به خلاقیت، نوآوری و ابتکار توجه چندانی نمی‌شود و به مرور، نیروی انسانی، انگیزه لازم برای فعالیت و نوآوری بیشتر را از دست می‌دهد. در این بخش، ترفیعات، ارتقا و ارائه شغل از سیستمی پیروی می‌کند که در آن بیشتر رابطه حاکم است تا ضابطه؛ در حالی که نیروی انسانی در بخش خصوصی فقط با کار و تلاش ترقی کرده و در صورت عدم بازدهی، باید شرکت را ترک کند.

۶- ایجاد اشتغال - تعدیل نیروی انسانی

هم اکنون استخدام بی‌رویه افراد بدون تخصص و تجربه در شرکت‌های دولتی به وفور یافت می‌شود و بازدهی و کارایی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. شرکت‌های دولتی به دلیل محدودیت‌های قانونی، نه قادر به استخدام نیروی انسانی مورد نیاز خود در زمان معقول هستند و نه می‌توانند نیروی انسانی بدون بازده را به راحتی از کار برکنار کنند. در شرکت‌های دولتی موضوع اشتغال به یک مشکل لاینحل تبدیل شده است و به دلیل تولید و بازدهی پایین، تعدیل نیروی انسانی به عنوان یک راهکار در بیشتر مواقع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که در بخش خصوصی ضمن تربیت نیروی کارآمد، متناسب با افزایش تولید و قدرت

مانور بالا در بازار، به استخدام و تربیت نیروی انسانی اقدام می‌شود.

۷- زیان دهی شرکت‌های دولتی و افزایش هزینه‌ها

در شرکت‌های دولتی، هزینه‌ها منطقی نیست و بالا بودن قیمت تمام شده کالا و خدمات، قدرت رقابت را از شرکت‌های دولتی سلب می‌کند و اصل "به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن هزینه‌ها" کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در صورتی که در بخش خصوصی این یک اصل است. بخش خصوصی سعی می‌کند ضمن حضور در بازارهای رقابتی، هزینه‌ها را در مقایسه با تولید و بازدهی، منطقی کرده و متناسب با افزایش تولید، نیروی انسانی بیشتری را به خدمت بگیرد و نیروی انسانی غیرماهر خود را تربیت کند. از این رو، در بخش خصوصی با وجود قدرت رقابت، تمام مولفه‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

۸- افزایش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه گذاری خارجی

شرکت‌های دولتی به سختی قادر به جذب سرمایه از بازار مالی و پولی هستند و سرمایه‌گذاران خارجی نیز به ندرت تمایل به مشارکت با شرکت‌های دولتی دارند؛ چرا که شرکت‌های دولتی فاقد قدرت مالی لازم‌اند و نمی‌توانند به راحتی به تولید کالا و خدمات اقدام کرده و نیروی انسانی بیشتری را استخدام کنند. در صورتی که در بخش خصوصی، برنامه ریزی یک اصل است و متناسب با برنامه آینده، امکان

جذب سرمایه از بازار داخلی وجود دارد. در کنار آن، بخش خصوصی از شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی دعوت به مشارکت و افزایش تولید می‌کند و با ابتکار و خلاقیت بیشتر نسبت به شرکت‌های دولتی، نیروی انسانی بیشتری را به خدمت می‌گیرد.

۹- ضعف مدیریت در بخش دولتی

در بخش دولتی انتخاب مدیران کمتر مبتنی بر تخصص و کارایی است و به ندرت یک مدیر دولتی در مقابل فعالیت‌های شرکت تحت امر خود جوابگو می‌باشد؛ در صورتی که در بخش خصوصی مدیر باید کارایی لازم را در خصوص رشته فعالیت خود داشته باشد. در بخش خصوصی اغلب مدیران از متخصصان همان رشته انتخاب می‌شوند تا در مقابل صاحبان سهام جوابگو باشند. مدیر بخش خصوصی باید با حداقل پرسنل مورد نیاز، بیشترین بازدهی را داشته باشد و گرنه باید شغل خود را به شخص صلاحیت‌دار دیگری واگذار کند. مدیر بخش خصوصی بر اساس میزان فعالیت و تولید خود، حقوق دریافت می‌کند.

۱۰- انتقال تکنولوژی

اغلب شرکت‌های دولتی از تکنولوژی قدیمی و ماشین آلات کارکرده استفاده می‌کنند و کمتر به دنبال انتقال دانش و تکنولوژی جدید هستند. در شرکت‌های دولتی به دلیل انحصاری بودن فعالیت‌ها، چندان به تکنولوژی جدید و افزایش کیفیت و خدمات تولیدی اهمیت داده نمی‌شود؛ در صورتی که بخش خصوصی برای حضور مؤثر در بازار رقابتی، نیازمند

استفاده از تکنولوژی جدید است و تکنولوژی به نوبه خود نیازمند نیروی انسانی متخصص و ماهر است، لذا در بخش خصوصی نیروی انسانی نیز متناسب با فن آوری جدید تربیت می‌شود. هرچه کیفیت افزایش یابد تقاضا برای تولیدات بالا می‌رود و تقاضای بیشتر، تولید بیشتر را به دنبال دارد؛ در نتیجه برای تولید بیشتر، نیروی انسانی بیشتری مورد نیاز است.

۱۱- افزایش سهم از بازار فعالیت برای حضور در بازارهای جهانی

امروزه رقابت و بهبود کیفیت یک اصل است. برای حضور در بازارهای جهانی، افزایش کیفیت خدمات و کالاها متناسب با استانداردهای جهانی به همراه بازاریابی مؤثر و برنامه‌ریزی، از ضروریات است. در بخش دولتی مقررات دست و پا گیر، کیفیت پایین تولید و عدم توانایی در بازاریابی، همه و همه دست به دست هم می‌دهند و قدرت افزایش سهم شرکت در بازار و صادرات تولیدات به بازارهای جهانی را با مشکل مواجه می‌سازند. در حالی که بخش خصوصی به طور مرتب به دنبال مشتری است و سعی دارد تا بتواند با صادرات کالاها و تولیدات، به نسبت سهم خود در بازارهای بین‌المللی هم حضور داشته باشد و هم بتواند نیازهای ارزی خود را حداقل از طریق صادرات بدست آورد.

۱۲- فعالیت در زمینه‌های جدید

به طور معمول شرکت دولتی به همان تولیدی که دارد قانع است و بعضاً چون

زیان ده هستند، به تدریج فعالیت خود را محدود می‌کنند. در حالی که بخش خصوصی غالباً به دنبال تنوع تولید است و در جستجوی نوآوری و فعالیت در زمینه‌هایی می‌باشد که تقاضا برای تولیدات آن وجود دارد. بخش خصوصی به دنبال تولیدات جدید متناسب با تقاضا است. بخش خصوصی با تبلیغات مستمر ایجاد تقاضا کرده و تولیدات جدید خود را معرفی می‌کند و چون بازار رقابتی است، به دنبال بهبود کیفیت و بسته بندی مطلوب نیز می‌باشد.

۱۳ - افزایش در آمد مالیاتی دولت

از آن جایی که برخی از شرکت‌های دولتی فعالیت محدود دارند و تولیدات آنها متناسب با تعداد نیروی انسانی نیست، زیان‌ده هستند. این شرکت‌ها نه تنها قادر به پرداخت مالیات نیستند، بلکه بخشی از هزینه‌های خود را به دولت تحمیل می‌کنند. در صورتی که اگر این شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شوند، از حالت زیان‌دهی به سود دهی رسیده و با گسترش حجم فعالیت و تولید، نیروی انسانی بیشتری را استخدام و تربیت می‌کنند. همراه با افزایش تولید و سود دهی است که دولت نیز می‌تواند مالیات حقه خود را وصول کند.

۱۴ - مشکلات شرکت‌های دولتی در تهیه وسایل و امکانات

اگر شرکت‌های دولتی بخواهند فعالیت موفقیت آمیزی داشته باشند، همچنان گرفتار مقررات و دیوانسالاری حاکم بر

دولت هستند. این امر مختص کشور ما نیست. در تمام کشورها دیوانسالاری دست و پا گیر، شرکت‌های دولتی را گرفتار می‌کند. در نتیجه شرکت دولتی قادر نیست در زمان معقول، متناسب با گسترش تولیدات خود، امکانات و تجهیزات لازم را فراهم کند. برای مثال اگر یک شرکت دولتی اقدام به تأسیس شعبه برای توسعه فعالیت خود کند، طبق قانون قادر به خرید اتومبیل و وسایل مورد نیاز نخواهد بود؛ چون بعضاً طبق قانون بودجه ممنوع است.

۱۵ - جذب سرمایه‌های اندک بازار پولی

بخش خصوصی چون گرفتار مقررات دست و پا گیر دولتی نیست، در مقایسه با شرکت‌های دولتی به راحتی می‌تواند پس‌اندازهای اندک مردم را جمع‌آوری کند و به طرف تولید بیشتر سوق دهد. این بخش می‌تواند به سرعت نسبت به تهیه ماشین‌آلات و لوازم مورد نیاز خود اقدام کرده و با استخدام نیروی انسانی تازه نفس، خطوط تولید خود را گسترش دهد. در صورتی که مدیران دولتی کمتر به فکر جذب سرمایه و گسترش خط تولید هستند و اگر چنین اقدامی هم بکنند، مدت زیادی طول خواهد کشید و ممکن است حتی به بن‌بست نیز برسند.

۱۶ - جوابگویی در مقابل مشتریان و حفظ بازار

بخش خصوصی همیشه نسبت به تعهدات خود در مقابل مشتریان حساس بوده و سعی می‌کند که در زمان مقرر، تولیدات

خود را به مشتری برساند. بخش خصوصی با این عمل مشتریان جدید را جذب کرده و نسبت به توسعه فعالیت خود اقدام می‌کند. انجام تعهدات شرکت‌های دولتی به دلیل وجود موانع و ضعف مدیریت با تأخیر همراه است؛ در نتیجه به راحتی مشتریان خود را از دست می‌دهند و چون قیمت تمام شده بالا و کیفیت تولید پایین است، رقیبان خیلی سریع مشتری را از دست شرکت دولتی خارج می‌کنند. با کاهش تولید، تورم نیروی انسانی پیش می‌آید و تعدیل نیرو شاید راحت‌ترین تصمیم برای مدیران شرکت‌های دولتی در این زمان باشد.

۱۷ - مقررات زدایی (Deregulation)

در شرکت‌های دولتی برای احداث واحد تولیدی مقررات دست و پا گیر فراوانی وجود دارد و در زمینه صادرات نیز وضع بهتر از این نیست. قانون کار به نحوی تدوین شده است که سرمایه‌گذار تمایلی به سرمایه‌گذاری در امر تولید ندارد. باید تمام مقررات در جهت ساده‌تر شدن قوانین مورد بازنگری قرار گیرد تا سرمایه‌گذاری در امر تولید تشویق و حمایت شود. این قوانین شامل مقررات مالیاتی، گمرکی، قانون کار و قوانین و مقررات مربوط به صادرات است.

۱۸ - تجهیزات و ماشین‌آلات

ماشین‌آلات و تجهیزات باید از نوعی باشند که تولیدات با کیفیت مطلوب بتوانند با استانداردهای جهانی برابری کرده و قدرت رقابت تولیدات ایرانی را افزایش

دهند. جایگزینی ماشین آلات قدیمی و استفاده از تکنولوژی جدید چاره ساز است. بخش خصوصی برای انتقال تکنولوژی و تربیت نیروی انسانی بهتر می‌تواند با سرمایه‌گذاران خارجی مشارکت کند؛ لیکن در این خصوص شرکت‌های دولتی با محدودیت‌های فراوانی مواجه هستند.

۱۹ - مشکلات ارزی

برای این که در انتقال تکنولوژی و تهیه ماشین آلات و تجهیزات جدید - به نحوی که بتوان تولیداتی با کیفیت مطلوب داشت - و در امر صادرات - که رقابت شدیدی بر بازارهای جهانی حاکم است - موفق بود، باید ارز لازم در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد. وزارت صنایع باید با برنامه ریزی و مطالعه نیازهای ارزی واحدهای تولیدی و با اولویت، ارز لازم را در اختیار این واحدها قرار دهد.

۲۰ - آمار و اطلاعات

یکی از مشکلات اساسی کشور ما نداشتن آمار و اطلاعات لازم و طبقه بندی شده در زمینه‌های مختلف به خصوص برای واحدهای تولیدی است. در حال حاضر نیاز به یک برنامه جامع آمار و اطلاعاتی به شدت احساس می‌شود. سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و ... باید بتوانند با ارائه اطلاعات و آمار کامل از وضعیت موجود و بر اساس توان، امکانات و بازار بالقوه برنامه

ریزی کنند. تا زمانی که آمار و اطلاعات لازم و کافی در اختیار نباشد، هرگونه برنامه ریزی و تصمیم‌گیری بر اساس داده‌های غلط، موفق نخواهد بود. در این صورت نه تنها ما به هدف خود نزدیک نمی‌شویم، بلکه مسیر حرکتمان در جهت سازندگی با مشکل مواجه خواهد شد.

۲۱ - احیاء منابع

جمهوری اسلامی ایران از نظر معادن، منابع و نیروی انسانی از پتانسیل بالایی برخوردار است و احیاء منابع نیازمند سرمایه‌گذاری است. بنابراین، دولت باید بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاران خارجی را در جهت سرمایه‌گذاری در این امر تشویق کند و در این راستا تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاران - نظیر معافیت‌های مالیاتی - در نظر بگیرد.



۲۲ - بانک و بیمه

بانک و بیمه خدمتگذار اقتصاد هستند و باید بتوانند خدمات مطلوب و با کیفیت را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. در حال حاضر بخش خصوصی مجوز فعالیت در امور بانکداری را دریافت کرده است و اقدامات لازم جهت ورود بخش خصوصی به صنعت بیمه در حال انجام است. برای توسعه تولید و افزایش صادرات و فعال کردن بخش خصوصی، بانک و بیمه باید در اولویت آزادسازی و خصوصی سازی قرار می‌گرفتند. البته از آنجایی که نیروی انسانی متخصص و ماهر در بانک و بیمه بیش از سرمایه و ذخایر اهمیت دارد، این دو بخش دارای ارزش ویژه‌ای هستند که در ارزیابی سهام باید مورد توجه قرار گیرند. مجوز فعالیت بخش خصوصی و رقابت با شرکت‌های دولتی موجب می‌شود تا کیفیت و کمیت خدمات دولتی نیز در کنار بخش خصوصی ارتقا یابد. در مرحله بعد، دولت می‌تواند خصوصی سازی را به عنوان مکمل آزادسازی اجرا کند و اگر لازم باشد، دولت یک شرکت بیمه و یک بانک را با ساختار مدیریتی در استاندارد خصوصی برای رفع نیازهای خود حفظ کند. در بالا به مشکلات اقتصاد کشور اشاره شد و اما اینکه چه راه‌حلی وجود دارد تا ضمن افزایش تولید، به اهداف برنامه ریزی شده - در درجه اول برای خودکفایی و کاهش

واردات و در درجه دوم برای افزایش صادرات غیرنفتی و نجات از اقتصاد تک محصولی و بالاخره ایجاد اشتغال برای جمعیت جوان آماده کار - رسید. در این خصوص با توجه به ساختار فعلی اقتصاد کشور، راه‌های زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- ۱ - از آنجایی که بخش خصوصی با ویژگی‌های مورد نظر در ایران کمتر به چشم می‌خورد، ساختار بخش خصوصی گاهی به سوی سوداگری و دلالی است که مخرب اقتصاد است. بنابراین در درجه اول باید بخش خصوصی به مفهوم واقعی آن که به تولید و صادرات می‌اندیشد، تشکیل شود. دولت می‌تواند بخش خصوصی واقعی را از مدیران و متخصصین کارآموده و تحصیل کرده‌های با تجربه تشکیل دهد، حمایت‌های لازم را از آنان بعمل آورد و واحدهای تولیدی دولتی را با ارائه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی برنامه‌ریزی شده، به آنان واگذار کند.
- ۲ - واگذاری از طریق بورس.
- ۳ - واگذاری واحدهای تولیدی به مدیران و کارگران همان واحدهای تولیدی.
- ۴ - ورود به سازمان بین‌المللی تجارت جهانی (WTO).
- ۵ - پیاده کردن مدیریت بر مبنای مشارکت با توجه به ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیروی انسانی ایران.
- ۶ - جایگزینی ضابطه به جای رابطه در انتخاب مدیران موسسات و سازمان‌های دولتی.
- ۷ - اعطای اختیارات بیشتر در انتخاب نیروی انسانی به مدیران واحدهای دولتی که در رابطه با فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی تصمیم می‌گیرند.
- ۸ - واحدهایی را که تولیدات آنها کیفیت مطلوب ندارد و ماشین آلات قدیمی و

فرسوده دارند و زیان ده هستند، تعطیل نماید.

- ۹ - افزایش بهره‌وری در واحدهای تولیدی اعم از خصوصی و دولتی با استفاده از تجربیات مدیریت مشارکتی.
- ۱۰ - تعدیل نیروی انسانی در واحدهای تولیدی، به صورتی که با افزایش بهره‌وری، قیمت تمام شده کالا و خدمات منطقی‌تر شده و بتواند وارد بازار رقابتی شود.
- ۱۱ - سهولت انتقال نیروی انسانی و جابجایی پرسنل بین واحدهای تولیدی.
- ۱۲ - ارائه تسهیلات به متخصصین و کارگرانی که قوه ابتکار و خلاقیت دارند و می‌توانند واحد تولیدی مستقلی داشته و فعالیت کنند.
- ۱۳ - اجباری کردن کنترل کیفیت برای تولیدات.
- ۱۴ - اصلاح قانون کار به نحوی که نگرانی‌های بخش خصوصی از قانون کار برطرف شود و به راحتی بتوانند نیروی انسانی را استخدام کرده و یا آن را تعدیل کنند. این امر به نفع نیروی انسانی شاغل نیز خواهد بود.
- ۱۵ - ایجاد واحدهای کارآموزی.
- ۱۶ - از رده خارج کردن تجهیزات و ماشین آلات فرسوده آن دسته از واحدهای تولیدی که فعالیت آنها توجیه اقتصادی ندارد.
- ۱۷ - استفاده از تجربه کشورهای موفق که وضعیتی مشابه کشور ما را داشته و با برنامه‌ریزی توانسته‌اند این مراحل را با موفقیت طی کنند.
- ۱۸ - افزایش آموزش‌های اجتماعی و تبلیغ فرهنگی بر اساس تعالیم عالیه اسلامی مبنی بر این که کار و تولید یک ارزش بالای اجتماعی محسوب می‌شود.

۱۹ - کاهش سن بازنشستگی و ایجاد زمینه فعالیت برای نیروی جوان و فعال به نحوی که جوانان بهترین سال‌های عمر خود را که توان فعالیت بسیار بالا دارند، به بیکاری و بطالت نگذرانند. همچنین شرایطی فراهم شود تا نیروی انسانی متخصص و با تجربه قبل از ترک محیط کار، تجربیات خود را به نسل جوان انتقال دهد. این سیستم باید به خصوص در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی اولویت داشته باشد. دولت می‌تواند نیروی انسانی با تجربه خود را زودتر از موعد بازنشسته کند و این گروه را در اختیار بخش خصوصی تازه‌کار قرار دهد تا در هزینه سنگین تربیت نیروی انسانی صرفه‌جویی شود. مانند دولت ژاپن که مدیر و متخصص برای بخش خصوصی تربیت می‌کند.

بخش خصوصی و نیروهای فعال در جامعه باید احساس موجودیت و امنیت کنند و فضای کافی برای فعالیت خود داشته باشند. توجه به بخش خصوصی باید به صورت یک ضرورت مطرح شود. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید بخش خصوصی را در اعمال تصدی، قدرت بخشیده و خود به اعمال حاکمیت از جمله برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای برنامه‌ها و در صورت لزوم، ایجاد اداره و واحدهایی در زمینه‌هایی که بخش خصوصی قادر به فعالیت در آن زمینه‌ها نیست، بسنده کند. دولت برای بازسازی بخش خصوصی و افزایش نقش و سهم این بخش در طرح ساماندهی اقتصادی و برنامه سوم تأکید کرده است و پیش‌بینی می‌شود مصمم به اجرای آن نیز می‌باشد. ان شاء الله... با اجرای این برنامه‌ها، شاهد شکوفایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران باشیم.